

تفصیل انتخاب هیأت نمایندگان ایران

برای رفتن بروسیه در سال ۱۲۴۴ قمری

بقلم آقای تهمورس آدمیت

پس از آنکه خبر واقعه قتل گریبایدوف ۱ نویسنده نامی و سفیر ترشخوی روس در تبریز بعباس میرزای نایب السلطنه رسید اورا سخت دچار تشویش واضطراب کرد بهمین جهت فوراً میرزا مسعود گرمرودی را که در عهد محمد شاه بوزارت خارجه رسید روانه تفلیس نمود اما طولی نکشید که این اضطراب و تشویش تخفیف یافت دولت ایران مجال پیدا کرد که پیش آمد ناگواری را که رخ داده بود با خون سردی و طمأنینه تلقی کند و با تدبیر مخصوص آرام آرام در چاره آن بکوشد. روسها بعلمی که شاید گرفتاری ایشان در جنگ با عثمانی در آن ایام اهم آنها بوده کوشش می نموده اند که از طرف ایرانیان هیأت متعین و وزینی بروسیه روانه گردد تا هم عذر قتل ابلچی خواسته شود وهم باین وسیله وقر و فر خود را در انظار حفظ نمایند چه بهیچوجه احتمال نمیرفت که دولت تزاری در آن وقت سر ستیزه جوئی با ایران را داشته بوده است بلکه بیشتر چنین بنظر میرسد که بعد از عقد معاهده ترکمانچای روسیه پیروی از سیاست «نفوذ آرام» را بر زور و تجاوز ترجیح می نهاده و چون در کشمکش با عثمانی که خود موجب دل مشغولی و پراگندگی قوی و گرفتاری آن دولت بود دیگر تجدید منازعه با ایران بهیچ روی با مصلحت وفق نمیداد.

عامل دیگری نیز ظاهر کار را برای التیام و تألیف روابط مهیا میکرد و آن

۱ - گریبایدوف Grebaïdoff در ربیع الثانی ۱۲۴۴ از تفلیس بمأموریت فوق العاده

بتبریز آمد، در پنجم رجب از همین سال بطهران رسید و در سوم شعبان در این شهر کشته شد

گواهی مالسوف ۱ نایب سفارت روس در طهران بود که از هنگامه قتل گریبایدوف و همراهان او جانی سلامت بدر برده و جریان واقعه را بدر بار بطرز بورگ کما هو حقه اطلاع داده بود و چون مالسوف با احترام تمام ببعیت مهماننداری از جانب فتحعلیشاه روانه تیریز شد در آنجا نیز میرزا ابوالقاسم قائم مقام از او بگرمی تمام پذیرائی کرد و او را با عطوفت و مهربانی بسیار تا سرحد ایران بوسیله کسان خود مشایعت نمود و این احترام و ملاطفات تا آنجا در خاطر مأمورین روسیه حسن اثر کرد که موجب ارسال تشکر نامه های رسمی از جانب آمبورگر ۲ نماینده دولت روس و خود مالسوف گردید. این است عین نامه مالسوف که بقائم مقام نوشته و آن را بفارسی امضا کرده است :

عالیجاها بلند جایگاهها دوستان استظهارا

امروز که روز شنبه بیست و دوم شهر حال است ۳ بکمال استراحت و آرام و منتهای خوشحالی و خوش گذرانی وارد نجفوان شدم حقیقت در منازل بسیار بمخلص خوش گذشت و از همه جهت بخوشحالی و خوبی بمقصد رسیدم حقیقت کمال رضامندی و ممنونی از آنجناب دارم و عالیشانان مرد عنی بیک و اوغورلو بیک هم در خدمت مهوره خودشان آنچه لازمه دقت و اهتمام بود مرعی و ملحوظ داشتند مخلص از ایشان بسیار رضامندی دارم این چند کلمه برسبیل رضانامه برای استحضار آنجناب مرقوم گردید .

باقی ایام الطاف مستدام باد
میرزا مال سوف

در این سفر خانم گریبایدوف سفیر مقتول روسیه نیز همراه مالسوف با تخت روانهایی که از طرف عباس میرزا تمیبه شده بود پیش پدر و خال خود کنیاز مایور النغازوف و ژنرال پاسکیویچ روانه گردید و او نیز مشمول مهربانی و مهماننوازیهای بسیاری در عرض راه شد و رضایت نامه های مفصلی حتی از تخت روانچی ها چه از جانب وی چه از طرف پدرش بدر بار نایب السلطنه رسید .

در ابتدای امر بنا بود که عباس میرزا خود ببعیت قائم مقام بروسیه رود ، گاهی نیز صحبت از رفتن معتمدالدوله منوچهر خان ۴ بجای قائم مقام بمیان می آمد چنانکه

۱ - Malsoff - ۲ - Amburger

۳ - یعنی بیست و دوم شعبان ۱۲۴۴ قمری

۴ - منوچهر خان معتمدالدوله گرجی همان کمی است که در عقد قرارداد ترکمن چای

نیز شرکت داشته است .

خود قائم مقام در نامه‌ای که ببردش میرزا موسی نوشته میگوید:

« ۰۰۰۰ هر گاه دو کرور را بوضع خوش چاره توان کرد البته رفتن من برنرفتن هزار بار ترجیح دارد ۰۰۰۰۰ هر گاه دو کرور را چاره نتوان کرد خواه این سفر را من بروم یا دیگری یا معتمدالدوله برود باید قبل از وصول این موعده خود را بیطرز بورغ برسانم در این مدت تلاشی نکنم بلکه بفضل الله تعالی مطلب بعمل آید و این وجه از گردن بیفتد ۰۰۰۰ »

روسها اصولاً میل داشتند که هیأتی که مأمور خواهد شد مرکب از کسانی هر چه جلیل‌القدرتر و عالی‌قامتر باشد بطوریکه همینکه خبر رفتن نایب‌السلطنه را شنیدند کاغذ گرم و مودت آمیز ذیل را بعباس میرزا نوشتند:

« بحضور موفور السرور بندگان اعلی‌جاه عظمت و حشمت و اجلال دستگاه زینت بخش وساده شهریاری و رونق افزای سریر تاجداری نواب اشرف والا معنوم الاعظم شاهزاده اکرم دام اجلاله العالی ، با کمال تعظیم و نهایت تفخیم مکشوف و مرفوع میدارد که درینوقت خبر مسرت اثری که در حقیقت کمال میاهات و خوشوقتی عاید روزگار مخلص ارادت مآل میگشت از طرف بندگان سالار اعظم غنارال (—) و قوالر (۲) غراف ایروانسکی ایوان فیدویچ پسکوویچ رسید که بندگان اشرف والا از کمال سفاخاطر عاطر دریا مقاطر و تشیید بنای اتحاد دولتین علیتین اراده فرموده اند که از راه قراباغ خطه بلده تفلیس را بشریف قدم مینت لزوم مزین و کلبه خاطر ساکین آندیار را از برکت وجود مسعود نونه گلشن فرمایند چون اتمام شرایط تعظیم و انجام لوازم تکریم درین سفر خیر اثر بعموم سرحد داران و سایر متعلقان دولت دایم‌القرار روسیه حتی بیذل جان از جمله فرایضی میباشد که در راه خدمتگزاری چنان نور دیده دولتین و گوهر آبدار درج شوکتین بهیتین قصوری نگذارد فلینذا از روی صداقت و کمال ارادت عالیشان بیرامعلی بیک را راهی و روانه عتبه علیه نموده از کار گذاران سرکار سعادت مدار استدعا مینماید که حساب ملتزمان رکاب مستطاب را مع وقت معین عبور ازیل خدا آفرین صراحة که در کدام وقت و در کدام روز و در چندم شهر حال خواهد شد از روی التفات به مخلص مرقوم فرمایند که مخلص را غفلتی حاصل ننود که از آنقرار آنچه بمخلص لازم و شایسته است در پی آن بوده بلکه از یاری بخت (—) رضا بر خاطر عاطر دریا مقاطر نواب اشرف والا برداخته میاهات و سر بلندی حاصل نماید که در حقیقت اگر این دولت عظمی حاصل آید فوز عظیم خواهد شد امره العالی نافذ و مطاع باد مخلص حقیقی ناچالنیک ولایات قراباغ و شیروانات غنارال مایور کنیاز الخازوف

فی ۷ شهر اپریل سنة المسیحیه ۱۸۲۹ در قلعه شوشی قراباغ

دیری نگذشت که از طرف ایران در هیأت نمایندگان تغییر روی داد و بنامش بجای نایب السلطنه شاهزاده محمد میرزا بمعیت قائم مقام عزیمت نمایند اینست که امبورگر کاردار دولت روسیه در ۵ رمضان ۱۲۴۴ بقائم مقام نوشت :

« یک هفته تمام مخلص درنجوان نشسته انتظار قدم میمنت لروم شاهزاده کامکار اعظم محمد میرزا و آنجناب را کشیدم که تشریف شریف ارزانی دارند بالاخره دیدم که آثاری از آمدن ظاهر نیست لابد و لاعلاج امروز که چهارشنبه پنجم شهر حال است از اینجا حرکت و بدرنگ تمام روانه صوب تفلیس شدم اگر انشاءالله تعالی بزودی تشریف آوردنی باشید امیدوارم که در راه شرف ملاقات حاصل شود... »

عبدالراجی امبورگر ۱۲۳۸

آمبرورگر از ننجوان حرکت کرد ولی تا یکفرسنگی اوج کلیسا نرفته بننجوان بازگشت و « منتظر قدم شاهزاده آزاده کامکار » (یعنی محمد میرزا) و « کامل شدن تمهیدات نواب اشرف والا » (یعنی عباس میرزا نایب السلطنه) شد.

باز هم دولت ایران آن عجله ای را که روسها انتظار داشتند در روانه ساختن محمد میرزا نشان نمیداد و با اینکه امور معموله ای بین دولتین وجود داشت که حل آن محتاج بگفتگوی مستقیم بادر بار بطرزبورگ بود مثل پرداخت و کرور آخر غرامات جنگ که در مقابل مبلغی از آن روسها هشت هزار خروار گندم میخواستند و همچنین امور طالش و موغان و ممانعت تعیین کنسول روسی در هر شهری که خواسته باشند و غیره معینا دربار ایران در این کار بهیچوجه شتابزدگی نمیکرد حتی گاه بگاه در صدد برانگیختن عذر و بهانه نیز بر می آمد چنانکه از فحواى کاغذی که از « آمبرورگر » شارژدافر روسیه در دست است برمی آید که دولت ایران طاعونی را که در ایران بروز کرده و همچنین ناخوشی قائم مقام راهبانه کرده و آنها را بآمبرورگر نوشته است، وی در جواب میگوید:

« ... حقیقت ناخوشی جزئی در ایران بهم رسیده بود حال بالمره دفع شده ... »

- ۱- نامه امبورگر بولیمهد . بتاريخ ۸ رمضان ۱۲۴۴ - اسناد رسمی سیاسی .
- ۲- نامه امبورگر بولیمهد بتاريخ ۱۳ رمضان - ۱۲۴۴ (اسناد رسر سیاسی وزارت خارجه) .

و در... انشاءالله تا حال ناخوشی آنجناب بالمره قلع مانده شده مانع از همراهی نواب
همایون شاهزاده محمد میرزا نشود... ۱

دولت روسیه نیز متوجه این موضوع بود و چون می دید که با اصرارهای متوالی
و گاه و بیگاه او، در روانه شدن نمایندگان ایران، بازهم کار از امروز بفردامی افتد
و بماطله میگذرد در موقع خود از گله گزاری خود داری نمیگردد.

اولین شکوه را آمبرورگر کرد و نایب السلطنه نیز بدو جواب داد و از نوشته های
او اظهار استبعاد کرد ولی رفته رفته خواهیم دید که این گله گزاری بدیگر مأمورین
روسی نیز سرایت کرده بوده.

نیمه اول ماه رمضان سپری گشت و از حرکت نمایندگان ایران خبری نشد
در ثلث آخر ماه آمبرورگر که حرکت شاهزاده محمد میرزا را باو در غره شوال نوشته
بودند در صدد بر آمد که راه عزیمت ایشان را بروسیه جویا شود و بداند که از
طریق قراباغ خواهند آمد یا راه ایروان.

در همین اوان یعنی در اول ماه شوال از طرف کنیاز الخازوف حاکم شیروانات
نامه متفرعانه تهدید آمیزی بنام نایب السلطنه نوشته و ارسال گردید که ما متن آنرا
برای مقایسه لحن آن با نامه های قبلی و بعدی همین شخص عیناً ذکر مینمائیم:

« بشف حضور بندگان نایب السلطنه العلیه العالمیه میرساند که بر رأی عالم آرای
خداوند گاری مخفی نماند که اراده مخلص اخلاص اندیش دایماً آنست که نظر بر کثرت
اخلاص و صداقت خود سرأ و علانیا هر فکری و خیالی که داشته باشم پوشیده و پنهان
نمایم بناه علی ذلک چنانچه وقتی که ساخته حیرت افزای ایلچی مرحوم در بلده تفلیس
شیوع تمام یافت جناب سردار ذوالقدر غراف مخلص را با تمجیل تمام مأمور و روانه
این حدودات نمودند هر چند در تفلیس خبر نامرضیه ایلچی مذکور آشکار میبود لکن
مخلص چندان باور نمیگردد، بعد از داخل شدن قراباغ حادثه چند باز مشاهده کرده که
هر یکی مصدق آن خبر تعجب اثر شد از آنجمله نقل میرحسن خان چندان تفاوتی نداشت
و مصطفی خان که در کنار ارس توقف نموده بنای شورش و فساد میگذاشت و حسین خان

۱ - مفهوم مخالف این بیان آنستکه اگر ناخوشی ادامه یابد فقط مانع از حرکت

شماست نه نواب محمد میرزا.

و حاجی خان بهمین طریق و حسنخان مغانی که از آنها در شرارت کم و کسری ننموده و اشرار چله بیانلو فرصت دانسته روز بروز شدت میکنند علی الخصوص علیخان که بشرارت و دزدی اکتفا ننموده سواره کلی جمع کرده باینطرف عبور کرده چند پاره قریه را با زور کوچانیده و برده است و علاوه از این خبر های متواتر رسید که قشونات عراق و خراسان و آذربایجان را جمع میسازند دیگر در اینصورت جای شک و شبهه نمانده ما نیز در پی تدارک خود هستیم که دیگر غفلت نشود چنانکه پریر سال بیکتا قراباغی در مقام مؤاخذة عذر مسوع گفته که ما بیخبر بودیم قشون قزلباشیه داخل قراباغ کرده از روی اضطرار اطاعت نمودیم .

اولاً بجهت اتمام حجت خانواران ایشان را تمام و کمال بقلعه می آورم و ثانیاً سایر تدارکات خود را مضبوط خواهم کرد که حاضر و مهیا باشم که از حادثه سابقه تبریه اندوز شده ام و الا یقین حاصل فرمایند که در خیال امناء دولت قویة روسیه فکری دیگر ندارد که باعث برهزدگی مصالحه دولتین علینین شود و اظهار کردن تدارکات خود آنست که مبدا یاوه گویان اینطرف و آنطرف خبر برده غره نموده شوند (کذا) ، رأی مخلص این بود که بدرستی عرض ننمودیم و اگر امنای دولت ایرانی خواهشمند باشند که اطفاء حرارت آتش فسادات نمایند در دست ایشان سهل و آسان است و اگر نه اندیشه کرده دعوی عثمانی را و تحریک غره (۲) را غنیمت بشمارند نیز صاحب اختیارند باید که فهمیده شوند که کرات و مرآت در میان دولت روس و روم از قدیم الایام خصومت و آشنی بی پایان بوده است که حد و حصر ندارد این هم یکی از آنها خواهد شد و تحریک غره (۲) را باید که دانسته باشند که از چه سبب و چه رهگذر است و چه خیال دارند خلاصه سایر عرایضات را عالیشان کاظم بیک عرض خواهد نمود باقی امر کم مطاع تحریراً فی غره شوال ۱۲۴۵ مخلص خالص النواد .

محل مهر هشت گوش برقم چاکر خاقان جمجاه غنارال مایور کنیناز الخازوف

در این نامه سراپا تبختر و تهدید گفتگو از بعضی تجاوزات مرزی است و بایران اسناد داده شده است که در صدد جنگ با روسیه است حتی میگوید که قشون عراق و خراسان و آذربایجان را گرد آورده اند و از همه مهمتر نزاع روسیه را با عثمانی صریحاً در بیان آورده و آنرا امری عادی قلمداد میکنند و میخواهد بفهماند که این امر پیش ما آن قدر و اهمیت را ندارد و دولت ایران نباید آنرا گرفتاری مهمی برای روسیه بشمارد و موقع را برای انجام مقاصدی مغتنم داند .

غره شوال نیز بهمان منوال سرآمد و از جانب ایران کسی بسوی پطرزبورگ

روانه نشد. آمبورگر نیز بانتظار در نخبچوان حالت اعتراض مانندی بشود گرفته بود و بناز گشت بتبریز را موکول بعزکت محمد میرزا میگرد. قائم مقام از همین موضوع استفاده کرد و آمبورگر را که بنا بود بمعیت نمایندگان ایران راهی شود بعنوان «خلاف شرط و قرار داد ظاهر نمودن» مورد اعتراض قرارداد و اعراض آمبورگر را دستاویز کرده نامه ای باو نوشت. آمبورگر جواب ذیل را بقائم مقام فرستاد:

عالیجاها بلندجایگاها دوستان استظهارا هر چند از طرف مخلص خلاف شرط و قرارداد در باب سفر تفلیس ظاهر شد اما نظر بر اینکه ماندن و توقف مخلص درین هنگام در دارالسلطنه تبریز محسنات شتی دارد و متضمن غواید و مصالح دولتیین علیتین است علاوه بر این تفاوتی نسبت بساخته شدن امر نمی کند؛ بخلاف خلاف شرط و قرارداد ظاهر نمودن آنجناب که مخلص در غیرخواهی صلاح نمیداند که خلاف شرط و عهد از طرف آنجناب بظهور برسد. لازم بود اظهار شد)

— اگر آنجناب در رفتن مخلص بهمراهی شماها تفاوتی دانند باز مخلص در عدل آوردن شرط قرارداد آماده و حاضریم. (زیاده چه لازم)

در نامه آمبورگر بخصوص در جمله آخری که اضافه نموده غلق و دغدغه خاطر آسکار است بدینمعنی که اگر رفتن او را لازم بدانند هیأت نمایندگان را همراهی خواهد نمود مبادا که عذر آوردنش باعث انصراف یا تعطیل و تعویق حرکت ایشان گردد.

در خلال این احوال تعویق حرکت نمایندگان ایران ایجاد انتشارات و شایعاتی حاکی از اختلاف بین ایران و روس و همدستی ایران با دولت عثمانی در خطه قفقاز و آذربایجان نمود تا آنجا که میرزا مسعود را که در تفلیس بود هراسان کرد و او بهمین جهت روانه ایران شد. و همین شایعات است که الخازوف صریحاً در نامه خود بآنها اشاره میکند.

این گونه شایعات و همچنین نامه الخازوف بر آن باعث آمدن حکه از طرف قائم مقام و نایب السلطنه دو نامه بآمبرورگر نوشته شود و در آنها حقیقت اوضاع را بتفلیس شرح دهد و این شایعات جعلی را تکذیب کند.

نماینده مزبور روسیه در جواب این نامه‌ها خواهش اصلی دولت متبوع خود را پیش کشید و تنها راه علاج را آن دانست که در فرستادن شاهزاده محمد میرزا تسریح شود. ما متن یکی از این دو کاغذ را که بسیار جالب توجه و نمودار منظور اصلی روسهاست عیناً در اینجا می‌آوریم:

اعلی‌جاه بلند جایگاه ضیا افزای وساده شهرت و احتشام زینت بخش اریکه شوکت و اعتظام فروزان اختر شرافت و بزرگواری و درخشان گوهر بحر خلافت و نامداری نایب السلطنه العلیه العالیه را بعد از اظهار مراسم صدق و اخلاص معروض میدارد که در تشکیکات و شهرتهای تفلیس که جناب قایم مقام بحسب فرموده نواب مستطاب والا مرقوم نموده بود معلوم شد آنچه بمغلس حالی میشود علت نامه شهرت یافتن بعضی اخبار در تفلیس تعطیل روانه فرمودن نواب شاهزاده کامکار محمد میرزا است اگر چنانکه رأی عالی قرار گیرد که کار بطور خوب و خوش بگذرد و رفع غایبه شود باید خودتان در تلاش باشید و علایج بکنید و لوازم معذرت خواهی و دلجوئی را که عمده فرستادن نواب شاهزاده والا تبار است بعمل آورید و رفع تشکیکات را که بسبب تعطیل تشریف آوردن نواب اشرف والا حاصل شده است بکنید محض از مراسله نویسی مغلس بجناب جلالت انتساب جنرال انشف ۱ و رقیبه و کاغذنگاری نواب نایب السلطنه و جناب قایم مقام بمغلس کار از پیش نمیرود و رفع اشتباه نمیشود. آنچه کردنی است باید نواب مستطاب والا بانجام آن میل فرمایند تا کارها صورت اتمام گیرد چون در خیر خواهی اظهار مراتب لازم بود معروض گردید در صداقت کیشی و خیرجویی دولتین برقرار و آماده میباشم.

حرر فی شهر شوال ۱۲۴۴ - رقم مهر: عبده الراجی امپورگر ۱۲۳۸

ضمناً نماینده روسیه در صدد بود که بهر طور هست ایران را متقاعد سازد که کشمکش روس و عثمانی آنها را از لحاظ نظامی در مضیقه نگذاشته و از قدرت آنها نکاسته و غلبه بر عثمانی امری مسلم و حتمی است اینستکه گاه و بیگاه که فرصتی می‌یافت پیروزی‌های محلی و غیر محلی قوای روس را برخ ایران میکشید چنانکه در همان روز ۷ شوال ۱۲۴۴ که نامه فوق را فرستاده کاغذ دیگری ابتدا بساکن وبدون مقدمه مینویسد و پس از احوالپرسی خبری را که مشعر بر تصرف و دو قلعه آل عثمان است از طرف قوای دولت خود میدهد ۲ :

۱ - همان جنرال پاسکیویچ معروف است.

۲ - نامه امپورگر بقایم مقام بتاريخ ۷ شوال ۱۲۴۴ (اسناد رسمی سیاسی وزارت خارجه)

عاقبت هیأت نماینده گان ایران تعیین و بآمبرور گمر معرفی میشوند، نماینده روس نیز کاغذی بسیار مؤدبانه بعباس میرزا نوشته اظهار مسرت و تشکر بی پایان از انتصاب و روانه ساختن خسرو میرزا بیطرز بورگک مینماید که ما برای احترام از اطناب از ذکر آن خود داری مینمائیم فقط قسمتی از نامه‌ای را که در این باره بقائم مقام نوشته است نقل میکنیم:

عالیجاه بلند جایگاهها دوستان استظها را شروحیکه درباب یار؛ مطالب مرقوم و بامیناس بیک ازسال داشته بودند رسید از مضامین هر یک استحضار کامل حاصل گردد . درباب معرفی عالیجاه امیرنظام محمد خان بجناب جلالت انتساب جنرال انشف بدان نحو که اظهار فرموده بودید حقیقت چنین نیست که در اینمدت توقف مخلص دودار السلطنه تیریز بعالیجاه معزی الیه بلدیتم بهم نرسانیده ازنجابت و بزرگی او بیخبر بوده باشم نظر باظهار و خواهش آنجناب بنحویکه بایست و شایست تعریف و توصیف او را بجناب معظم الیه نوشتم که استحضار کامل حاصل نماید .

درباب آمدن مخلص بدار السلطنه تیریز که اظهار فرموده بودید، حق مطلب، مخلص زیاده سابق ملاقات و ادراک فیض صحبت لازم السمره هستم اما چه فایده از انصاعدتی طالع خود این چند روزه احوال خیلی بد شده است دوا میخورم بستری شده ام و طاقت و قدرت رفتار ندارم و منتهای ملالت دارم که سوء مزاج مقنضی تأخیر ادراک شرف ملاقات شده است امیدوارم که انشاءالله از برکت دعای یاران این چند روزه صحت یافته عزیزت آنجا نمایم ۱ اینکه نوشته بودید از مخلص گله دارید که چرا حقیقت نویسی نکردم تا جنرال انشف یقین کرد که درخوی و گرگر سرباز و سوار بوم سبقت در خصوصت مجتمع شده حقیقت گله آنجناب وارد نیست زیرا که تأخیر و تعطیل مأموریت و روانه شدن نواب شاهزاده بتفلیس بالمراتب موجب همه این تشکیکات شده بود هر چند که مخلص یقین داشت و مینوشت که امنای دولت علیه ایران کمال اهتمام در انجام امور لازمه و استقرار میانی دوستی و اتحاد دولتین علیتین دارند اما بس که تأخیر و تعویق از حد گذشت نزدیک بود که امر بمخلص هم مشتبه شود و جناب جنرال انشف قول مرا باور نکنند . حال که نواب امیرزاده کامکار خسرو میرزا روانه شدند امیدوارم که امورات بغیر و خوبی باکمال خوشی بگذرد

۱ - چون این قسمت از نامه درباب توپهای ارمقانی و تحویل هزار یاهشت هزار خروار کندم در عباسیه است و ممکن است که باعث انحراف ذهن خوانندگان از موضوع اصلی خود آنرا حذف کردیم .

۲ - از اسناد رسمی وزارت خارجه .

و رفع غایله بهواست خدا بشود . مخلص در این باب آنچه که نوشتی بود نوشتم و بجناب معظم الیه اظهار کردم دیگر ایام الطاف و اشفاق مستدام و برقرار باد .

حرر فی ۲۵ شهر شوال ۱۲۴۴

خسرو میرزا بهمراهی میرزا محمد خان زنگنه امیر نظام و محمد حسین خان ایشیک آقاسی و میرزا صالح و میرزا بابای حکیم ۱ که هر دو از تحصیل کردگان انگلستان بودند و میرزا محمد تقی (یعنی امیر کبیر که بعدها صدر اعظم شد) و مسیو سمینو ۲ فرانسوی از طریق تفلیس عازم بطرزبورگ شد و ایشان پس از عبور از پل خدا آفرین مورد استقبال شایانی از طرف کنیاز الخازوف حکمران شیروانات و قراباغ قرار گرفتند و این کنیاز الخازوف همان کسی است که نامه مورخ غره شوال را بنایب السلطنه نوشته و بقول خود ساده و صریح ایران را از داشتن خیالاتی مبتنی بر سازش با عثمانی بر حذر و دستبردهای سرحدی را نشانه بسیج دولت ما قلمداد نموده بود ولی اینک پس از آنکه خسرو میرزا رهسپار بطرزبورگ شد نامه عبودیت آمیز ذیل رابعنوان عباس میرزا ایفاد داشت :

بشرف حضور باهر النور بندگن منبع الجود والاحسان نواب مستطاب فلك جناب آفتاب قباب جوزا ركاب مطاع الاعظم مالك الرقاب الامم ملجأ الانعم والاكرم نایب السلطنة العلیه العالیه میرساند که در اسعد اوقات و اشرف ساعاتی که گوش هوش مخلصان حقیقی منتظر ورود مبشر تشریف قدوم میمنت لزوم بندگان اشرف والابھین سلالة دودمان خسروی مطاع الاكرم خسرو و میرزا ادا م الله جلاله العالی بود مراسله مرقومی بندگان عالیجاء بلند جایگاه امیر الامراء النظام امیر نظام که از قصبه اهر نوشته بودند رسید که بندگان اشرف والا تشریف می آورند بنا بر آن چنانکه بعموم مخلصان و خیر خواهان دو دولت ابد مدت لازم بود عیال از قلمه شیشه بزم ادراك شرف حضور بیرون شد که در آن طرف ارس ادراك سعادت حضور موفور السرور نماید نهایت این سعادت در چهار فرسخی پل خدا آفرین نصیب این مخلص صدقات آئین گشته از فیض ادراك شرف حضور سعادت دستور مباحثات حاصل کرده آنچه شایسته ارادت و لازمه عبودیت بود باداه آن پرداخت و باین وسیله جمیله مراتب

۱ - راجع بپردن طایب ابتدا بین قائم مقام و نماینده روس برای فرستادن طایب انگلیسی از طرف سفیر انگلیس مکاتباتی شده بود بالاخره میرزا بابا رفت (برای احوال میرزا صالح و میرزا بابا رجوع شود بحجته یادگار شماره پنجم) .

افتخار خود را با بوج اهلی افرخت . هر گاه چاکران و بندگان درگاه امپراطور اکرم اعظم درین سفر خیر اثر بنده گان اشرف والا و قدوم میمنت لزوم ایشان اگر بذل جان نمایند هنوز قاصر اند بحمدالله سبحانه که چنین اراده نواب مستطاب نایب السلطنه العلیه باعث تشبیه بنای اتحاد دولتین علینین و موجب انضباط ضابطه و داد شوکتین بهتین گشته خشنودی خالق و آسایش خلایق بوده صفای خاطر دریا مقاطر نواب مستطاب نایب السلطنه در میان جمیع دول و در افواه و السنه عموم ملل مذکور و مرور [کذا] خواهد شد . از آنجا که مخلص حقیقی اوقات خود را صرف بآن کرده و در عهد اتحاد دودولت کمال عقیدت و ارادت خود را در (-) پیشگاه افاضت مرحمت نایب السلطنه جلوه گر نماید بتحریر عریضه ارادت فریضه پرداخت - و امروز یوم دوشنبه بندگان اشرف والا با کمال صحت ذات از لطف جناب باری در سرحد قرا باغ بوده فردا داخل ولایات گنجه خواهند شد

استدعا آنست که مخلص حقیقی را از جمله خیر خواهان دولت ابد مدت تصور فرموده باصدار رقم مبارک سر بلند فرمایند . ۱۰

ناچالنیک ولایات شیروانات و قرا باغ - کنیا و الغازوف

رقم مهر چاکر جمجاه غنارال مایور کنیا و الغازوف

نکته قابل توجه اینکه دولت ایران که پس از محاطه طولانی خسرو میرزا را بمعیت امیر نظام زنگنه و دیگران بدر بار روسیه روانه داشت تنها منظورش عذر خواهی از قتل گریبایدوف نبود بلکه مأموریت مهم این هیأت فیصل دادن امور معوقه ای بود که از چند سال پیش بین دو کشور لاینحل مانده بود چنانکه نایب السلطنه در نامه ای که بوسیله خسرو میرزا با امپراطور روسیه مینویسد تقریباً موضوع عذر خواهی از قتل گریبایدوف را تمام شده تلقی میکنند و میگویند .

» معهدا شایسته آنست که بعد از فضل خدا بالمره تفویض اختیار بامانای آن دوبار کنیم و مطلقاً در هیچ مطلب عرض و اظهار نکنیم حتی افزونی افسردگی و انبوهی اندوه خود را در حدود سانه ایلچی مختار آن دولت بمضامین ذریه مصحوبی عالیجاه میرزا مسعود محول داشته تحصیل زحمتی ببا کفان حضرت از تجدید عذر خجالت نکردیم ۲